

متن پرسش

با سلام: سوالی از خدمتتان داشتم: علامه طباطبایی در نهاییه برای حل مشکل بین نظریه صورت ارسطو و نظریه اتمیزم، راهکاری را ارائه کرده است که بر این شرح است: علامه می‌گوید: «به دلیل اینکه علمای طبیعی با مشاهدات دقیق دریافته‌اند که جسم از ذراتی بنام اتم تشکیل شده‌اند و در مقابل آن نظریه صورت ارسطو می‌گوید که جسم یک هویت یکپارچه دارد که از ماده و صورت تشکیل شده برای حل این تعارض می‌توانیم صورت نوعیه که فعلیت شیء به آن است و کمال اول برای جسم است را به سطح اتم تنزل دهیم و بگوییم که این اتم است که از ماده و صورت تشکیل شده است.» ۱. حال اگر صورت نوعیه را به سطح اتم تنزل دهیم، کشف منشاء اختلاف آثار انواع، که هدف تبیین صورت نوعیه بوده است چه می‌شود؟ چون در اینصورت: صورت نوعیه یک اتم بیانگر اختلاف آثار اتم‌ها با یکدیگر می‌شود نه بیانگر اختلاف آثار انواع! ۲. حال اگر با این دقت فلسفی به این مسئله نگاه کنیم می‌بینیم که نظریه صورت ارسطو می‌تواند اختلال جدی داشته باشد. حال با تبعات بعدی آن در بحث‌های دیگر از جمله حرکت جوهری و نفس و ... باید چه کنیم؟ یعنی وقتی نظریه صورت ارسطو رد بشود دیگر تمام بحث‌هایی که بر اساس این نظریه بنا شده‌اند، پا در هوا خواهند شد. چون در تعریف نفس هم مثلاً می‌گوییم: کمال اول برای جسم‌های طبیعی آلی! و کمال اول همان صورت نوعیه است! آیا شما این نزاع بین اتمیزم و نظریه صورت ارسطو را قبول دارید؟ و اگر دارید راه شما برای رفع این نزاع چیست؟ با تشکر

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱- اگر بر اساس اصالت وجود به موضوع نگاه کنیم، وجود در هر مرتبه‌ای نحوه‌ی خاص خود را دارد چه در ماده با هویت حرکت جوهری آن و چه در غیر ماده و چه آن‌که آن ماده، اتم باشد و چه یک درخت؛ در هر صورت با توجه به نظریه‌ی حرکت جوهری ظهور ماده به صورت‌های مختلف به اندازه‌ی حرکت آن‌ها بستگی دارد. ۲- اگر پدیده‌ی روبروی ما اتم باشد، عملاً ماده‌ای است در شرایط خاص که می‌تواند مطابق آن شرایط صورت خاص خود را داشته باشد و تفاوت آن‌ها در ظهور حرکت جوهری آن‌ها است. ۳- در مورد نفس ناطقه هم می‌گوییم جسم در شرایط خاص خود آماده است جهت تدبیر نفس و در همه‌ی حالات باز ما هیولا و صورت را می‌توانیم در تئوری‌های خود محفوظ داشته باشیم. موفق باشید

